



ظهور ولی عصر، ظهور اصل انسانیت است / وقتی حقیقت ادیان ظاهر می شود

با نور حضرت بقیت‌الله(عج) از یک طرف حقیقت ادیان ظاهر می‌شود و همه در ذیل نور مهدی به دیانت خود متعهد و متدین می‌شوند و از طرف دیگر دنیا و مال دنیا از ارزش فرو می‌افتد.

با نور حضرت بقیت‌الله(عج) از یک طرف حقیقت ادیان ظاهر می‌شود و همه در ذیل نور مهدی به دیانت خود متعهد و متدین می‌شوند و از طرف دیگر دنیا و مال دنیا از ارزش فرو می‌افتد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر گفتاری از اصغر طاهرزاده در مورد رجعت است که در ادامه می‌خوانید؛

در راستای فهم نفاق به کمک نور حضرت بقیت‌الله(عج)، همان طور که از قول حضرت صادق عرض شد در آخر الزمان دو نوع رجعت داریم: یکی رجعت سعدها و دیگر رجعت اشقیاء، به جهت آن‌ها رجعت‌ها؛ که با ملاک نور بقیت‌الله می‌توان فهمید هرکس چه اندازه از حقیقت فاصله دارد. امروزه ما به جهت حجاب ظلمانی آخرالزمان نمی‌دانیم بدی واقعی چیست؟ [۱]

در رجعت انسان‌ها؛ سعید معنی ظهور عالم بقیت‌الله در جمال اولیاء الهی مشخص می‌شود. حضرت امام خمینی‌ا‌رحمه‌الله؛ رضوان‌الله‌علیه؛ در حین برگشت از پاریس در جواب خبرنگاری که از ایشان پرسید چه احساسی دارید؟ فرمودند: هیچی. این حکایت از عالم بقیت‌اللهی حضرت ایشان دارد که از جنس دیگری است و در آخرالزمان زمینه‌ها؛ ظهور آن فراهم می‌شود و بر همین اساس می‌توان گفت حضرت روح‌الله‌ا‌رحمه‌الله؛ رضوان‌الله‌علیه؛ رجعت می‌کند تا پرتوهای نوری حضرت بقیت‌الله(عج) در عالم به نمایش در آیند. خوشا به حال آن‌ها که نور بقیت‌الله را می‌شناختند و بر آن اساس حضرت امام را درک کردند و او را آینه‌ها؛ جمال حضرت بقیت‌الله(عج) دیدند.

ظهور حضرت بقیت‌الله(عج)، ظهور اصل‌ها؛ انسانیت است با تمام استقراری که در مقام انس با خدا در جان حضرت هست. او مظهر شخصیت و حقیقت انسانیت می‌باشد. مگر می‌شود پرتوهای انسانیت هم‌اکنون در میان باشد و خود او اکنون موجود نباشد و مگر می‌شود آن حقیقت بزرگ ظهور نکند؟

همان‌طور که ریشه‌ها؛ هر تری و ربوبیت، عین تری‌ها؛ یعنی آب است، اصل انسانیت هر انسانی عین انسان یعنی حضرت صاحب‌الامر(عج) است و خود حضرت موضوع را چنین تبیین می‌کنند که: «نَحْنُ صَانِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَانِعِنَا» [ما ساخته و پرداخته‌ها؛ پروردگارمان هستیم و خلق در مرتبه‌ها؛ بعد، ساخته‌ها؛ ما می‌باشند. و لذا هر انسانی به اندازه‌ها؛ ای که منور به نور انسانیت است و خوک و گرگ نیست، به عین انسان نزدیک است و در همین راستا است که گفته می‌شود هرکس امام زمان ندارد در ذات خود هیچ انسانیتی ندارد. که این بحثی دقیق و منطقی است و در جای خود بحث شده، تأکید بنده بر این‌ها؛ نکته است که بفهمیم چگونه ظهور حضرت بقیت‌الله به انسانیت انسان و حقیقت او مربوط است.

با تحقق کامل عالم بقیت‌الله اسم اعظم خداوند تجلی می‌کند و آن اسمی که در واقع مجلای ظهور انسان کامل است به صحنه می‌آید و حقیقت‌ها؛ عَظَمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا [جاری می‌گردد و از آن جهت که حاکمیت بقیت‌الله(عج) ظهور می‌کند از همان جهت زمانه محل ظهور اسم‌ها؛ الله که اسم اعظم است می‌شود و عالم هستی به غایت خود دست می‌یابد و محل تجلی نور الله می‌گردد، همان‌طور که جمال رسول خدا(ص) محل تجلی اسم‌ها؛ الله شد و در آن رابطه فرمود: «رَأَى قَدَّ رَأَى الْحَقَّ» [هرکس مرا بنگرد حق را نگریسته است.

همان‌طور که خداوند در جمال محمدی(ص) توانست خود را با تمام اسماء‌اش بنمایاند، در آخرالزمان و با ظهور بقیت‌الله خداوند با تمام اسمائش به صحنه می‌آید و رسول خدا(ص) و ائمه‌ها؛ ی‌هدی(ع) از طریق روایات گوناگون وجهی از آن عالم را می‌نمایانند که به عنوان مثال تعدادی از آن روایات را خدمت عزیزان عرضه می‌داریم به امید آن‌ها؛ که بتوانیم در دل این روایات فهمی از عالم بقیت‌اللهی را درک کنیم:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيٍّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ يَأْتِيهَا كَيْفَ

فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ وَتُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلُّهَا مَا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهَرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ فَيُعْطَى شَيْئًا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ [۵]؛ [raquo]

از حضرت باقر هست که آن حضرت را به این خاطر [۵]؛ [raquo] مهدی [۵]؛ [raquo] نامیده اند که مردم را به امر مخفی و نهانی هدایت می فرماید، آن جناب تورات و تمام کتب آسمانی دیگر را از غاری که در انطاکیه هست بیرون آورده و بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می فرماید، تمام اموال دنیا در خدمتش گرد می آید، اعم از آنچه در دل زمین بوده یا روی آن باشد، سپس به مردم می فرماید: بیاید به سوی آن چیزی که به واسطه [۵]؛ [raquo] اش قطع ارحام نموده و خون [۵]؛ [raquo] ها ریخته و حرام [۵]؛ [raquo] های الهی را مرتکب شده [۵]؛ [raquo] اید.

سپس به آن [۵]؛ [raquo] ها آن قدر مال اعطاء کند که قبل از او احدی این مقدار اعطاء نکرده باشد. ملاحظه فرمایید با نور حضرت بقیت [۵]؛ [raquo] الله (عج) چگونه از یک طرف حقیقت ادیان ظاهر می [۵]؛ [raquo] شود و همه در ذیل نور مهدی به دیانت خود متعهد و متدین می [۵]؛ [raquo] شوند و از طرف دیگر دنیا و مال دنیا از ارزش فرو می [۵]؛ [raquo] افتد.

ابوبصیر از کامل و از امام باقر روایت کرده که آن حضرت فرمود: [۵]؛ [raquo] إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ قَطُوبِي لِلْغُرَبَاءِ [۶]؛ [raquo] قائم ما چون قیام کند مردم را به امر نوینی دعوت خواهد نمود همان [۵]؛ [raquo] گونه که رسول خدا (ص) دعوت فرمود و اسلام غریبانه آغاز شد و باز همچنان که شروع شده غریب خواهد گردید، و خوشا به [۵]؛ [raquo] حال غریبان. چون ساحت بقیت [۵]؛ [raquo] اللهی ساحتی است فوق اسلامی که مردم به شکل عادت پذیرفته [۵]؛ [raquo] اند، ساحت نور بقیت [۵]؛ [raquo] الله آزادی از زمان فانی است و این برای مردم عادی ساحت غریبی است.

راوی از امام صادق در مورد روش حضرت مهدی (عج) سؤال می [۵]؛ [raquo] کند حضرت می [۵]؛ [raquo] فرماید: [۵]؛ [raquo] يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْذِنُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا [۷]؛ [raquo] چنان می [۵]؛ [raquo] کند که رسول خدا (ص) رفتار می [۵]؛ [raquo] کرد، آنچه قبل از او بوده همه را ویران می [۵]؛ [raquo] کند- همان گونه که رسول خدا (ص) شالوده [۵]؛ [raquo] ی دوران جاهلیت را ویران ساخت- و اسلام را از نو آغاز می [۵]؛ [raquo] کند. بسیار باید به این موضوع فکر کرد که چه افقی برای بشریت گشوده می [۵]؛ [raquo] شود که شرایط موجود ظرفیت ظهور آن را ندارد.

امام صادق می [۵]؛ [raquo] فرمود: [۵]؛ [raquo] لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِثِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَةَ يُعْطَى كُلُّ نَفْسٍ حَقَّهَا [۸]؛ [raquo] دنیا پایان نیابد تا آن [۵]؛ [raquo] که مردی از فرزندان من بیرون آید که طبق حکومت آل داود حکم کند، گواه نخواهد و حق هرکس را به او عطا کند. این روایت خبر از آن می [۵]؛ [raquo] دهد که زمانه امکان توجه به باطن را به میان آورده که وقتی به ظاهر هم حکم شود نظر به باطن شده است.

در همین رابطه حضرت صادق می [۵]؛ [raquo] فرماید: [۵]؛ [raquo] إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ [۹]؛ [raquo] هنگامی که قائم ما قیام کند خدای عز و جل در گوش [۵]؛ [raquo] ها و دیدگان شیعیان ما چنان نیروی رسانایی بنهد که دیگر میان آن [۵]؛ [raquo] ها و حضرت قائم پیکی نباشد و آن حضرت از فاصله [۵]؛ [raquo] ی دور با آنان سخن بگوید و آنان بشنوند و او را در همان جایی که هست ببینند.

آری موضوع عالم بقیت الله موضوعی است که زمانه ما هنوز آن را آن [۵]؛ [raquo] طور که شایسته است نمی [۵]؛ [raquo] شناسد. باید در جلساتی طولانی و به روش سلوکی بر روی آن تأمل کرد تا آن [۵]؛ [raquo] شاء [۵]؛ [raquo] الله برای ظهور حضرت بقیت الله (عج) زمینه [۵]؛ [raquo] سازی شود.

[۱] - حضرت امیرالمؤمنین در خطبه [۵]؛ [raquo] ی منافقین به [۵]؛ [raquo] خوبی حجاب تجلی نور امام را روشن می [۵]؛ [raquo] نمایند. امید داریم که با نور خلوص شهدا در حال حاضر آن چیزی را که تا به [۵]؛ [raquo] حال امکان روشن شدنش نبود، روشن شود، در شرح آن خطبه بحث شد که ما باید برسیم به این [۵]؛ [raquo] که در رگ و ریشه [۵]؛ [raquo] ی فکر ما چه اندازه نفاق ریشه دارد و بعد ببینیم باز هم می [۵]؛ [raquo] توانیم منتظر بقیت الله (عج) باشیم؟

[۲] - بحار الأنوار، ج ۵۳؛ [۵]؛ [raquo]، ص ۱۷۸.

[۳] - سوره‍ی بقره، آیه‍ی ۳۱.

[۴] - جامع الأسرار، سید حیدر آملی، ص ۲۰۵.

[۵] - علل الشرائع، ج‏۱، ص ۱۶۱.

[۶] - الغیبة للنعمانی، ص ۳۲۱.

[۷] - همان، ص ۲۳۱.

[۸] - الکافی، ج‏۱، ص ۳۹۸.

[۹] - همان، ج‏۸، ص ۲۴۱.